



# سیاست دوگانه دولت در قبال بی آبی در سیستان و بلوچستان

(آنچه در افق دور چون بحر لرزان موج می زند سفره های سراب است، نه آب)



## مقدمه



معضل بی آبی و خشکسالی و مهاجرت روستائیان به حاشیه شهرها بسیاری از استانهای ایران را مورد تهدید جدی قرار داده است، و استان سیستان و بلوچستان از این قائده استثنا نیست. اما آنچه که محرومترین استان کشور را استثناء می کند، بر خلاف بقیه استانهای محروم و بی آب، عملکرد عامدانه، تبعیضگرایانه و هدفمند دولت در تسریع و تشدید بحران شدید انسانی، حیاتی و "بهداشتی" و حتی امنیتی در سیستان و بلوچستان می باشد که علاوه بر بخل آسمان، سیاست های آهنگانه و تعمدی دولت در تشدید بحران آب و تسریع روند نابودی و اضمحلال کشاورزی و دامداری (و حتی صیادی) و تسهیل در تعجیل مهاجرت روستائیان کشاورز و دامدار به حاشیه شهرها و همچنین به خارج از استان بشدت نگران کننده است. بر خلاف سیاست تشویقی آب شیرین کن سازی دولت در بقیه استانهای ساحلی، علاوه بر امتناع در صدور مجوز برای آب شیرین کن در سواحل استان، سدسازی بی رویه و رها نکردن آب پشت سدها برای تامین آب شرب و آب کشاورزی در پائین دست ها و تبخیر آب در پشت سدها مزید علت شده است. مضافا، گران شدن روزمره قیمت آب شرب، خصوصی سازی فروش آب شیرین توسط تانکرها در یکی از فقیرترین استانهای کشور، و آتش سوزی ها در باغات و مزارع و نخلستان های بلوچستان، سیاست فهم ناپذیر و دوگانه دولت در قبال بی آبی و مدیریت خشکسالی در سیستان و بلوچستان را در زیر زره بین نقد و انتقاد قرار داده است.

## پیشگفتار و مستندات

این مقاله تحقیقی و مستند (با لینک به مراجع، منابع و رسانه های داخل کشور) به دکترین پروژه های راهبردی جمهوری اسلامی در اعمال سیاست دریغ داشتن آب از مردم استان سیستان و بلوچستان و احتمال استفاده از آن برای پیشبرد طرح توسعه سواحل مکران که ابعاد امنیتی، نظامی و بخصوص تغییر "توازن نفوس" یا "آمایش جمعیتی" در رابطه با مولفه های هوشمند تسهیل دو پروسه متضاد اما هدفمند "مهاجرت فرستی" و "مهاجرپذیری" مورد نگرانی برخی از ساکنان بومی سواحل مکران شده است، می پردازد. شواهد و مستندات موجود در اذهان برخی از بلوچها این شبهه را ایجاد می کند که ممکن است برای رفع خطر بالقوه امنیتی و تعقیب سیاست نانگاشته اما استراتژیک "تغییر جمعیتی"، از یک سو سیاست سدسازی بی رویه و مهم تر از آن رها نکردن آب سدها و تبخیر آن در زیر آفتاب شدید استان، و از سوی دیگر عدم صدور مجوز دستگاه آب شیرین کن در سواحل استان، ممکن است بخش هایی از اجزای لایتجزی یک برنامه کلان باشند که اغلب مردم نسبت به آن اشراف اطلاعاتی لازمه را ندارند.

## سدسازی و تشدید روند مهاجرت



سیاست سدسازی و رها نکردن آب پشت سدهایی نظیر سد زبردان و سد پیشین باعث نابودی کشاورزی و دامداری و جیره بندی آب در برخی از شهرهای جنوب استان شده است. جیره آب مردم دشتیاری روزانه ۱۵ لیتر است. در حالی که آب پشت سدهای زبردان و پیشین در این منطقه روزانه تبخیر می شود. حتی در مرکز استان نیز تنها ۵۰ درصد مردم زاهدان آب شرب بهداشتی با کیفیت دارند. مدیر جهاد کشاورزی شهرستان چابهار خسارت به بخش کشاورزی چابهار را بیش از ۲۶۳ میلیارد تومان برآورد کرده است. بر طبق داده های وزارت جهاد کشاورزی کل تولیدات بخش کشاورزی استان قریب به ۵ میلیون تن محصول بوده است. اما اکنون، بعنوان مثال، بیش از ۶۰ درصد کل جمعیت چابهار حاشیه نشینان روستائی و فقیری هستند که سدسازی و رها نکردن آب سدها همه هستی آنها را به باد فنا داده است. رشد فزاینده حاشیه نشینی، تکدیگری و بروز ناهنجاری های نابسامان اجتماعی در شهرهای مختلف استان بخصوص در چابهار، ایرانشهر و زاهدان مایه بیم فراوانی شده

رشد فزاینده حاشیه نشینی، تکدیگری و بروز ناهنجاری های نابسامان اجتماعی در شهرهای مختلف استان بخصوص در چابهار، ایرانشهر و زاهدان مایه بیم فراوانی شده

است. قصه تلخ مهاجرت روستائیان بدلیل **خشکسالی ۱۰۰ درصد** (بنا به گفته مدیر عامل آب منطقه ای سیستان و بلوچستان) فقط به **حاشیه شهرهای استان** ختم نمی شود، بلکه جمعیتی کثیری از روستائیان بلوچ و سیستانی به استانهای دیگر کشور از جمله یزد، خراسان، گلستان، تهران و شمال کشور همانند "کولی های آواره و جنگ زده" مهاجرت کرده اند. خبرگزاری فارس در **گزارشی مستند** می نویسد: "نفس های سیستان به شماره درآمده و مردمان آن اکثرا در حال کوچ و مهاجرت هستند، دیگر چه باید به روز این منطقه بیاید که آقایان مسؤول کمر همت ببندند و گفتار درمانی را کنار بگذارند؟". **دکتر احمد علی کیخا نماینده سیستان** معتقد است مهاجرت گسترده مردم از استان امنیت کشور را به خطر می اندازد. هفته پیش معاون استاندار سیستان و بلوچستان **اعلام کرد** فقط برای "۵ ماه" آب ذخیره داریم. طنز تلخ این است که **رها نکردن** آب هیرمند توسط **همسایه نامهربان** (افغانستان) باعث **نابودی سیستان** شد. اما رها نکردن آب رودخانه کاجو در سد زبردان و رودخانه سرباز در سد پیشین توسط "خودی های مهربان" باعث **نابودی زندگی** ساکنان صدها روستا در جنوب استان شده است.



خبرگزاری کار ایران (ایلنا) در **گزارشی** می نویسد "بیش از دو دهه است که بلوچها و سیستانیها مهاجرت می کنند، با **خشک شدن هامون** کشاورزی در دشت های فراخ سیستان **تعطیل شد** و زابلی ها و بلوچها راهی جاده ها شدند. گرگان یکی از مقصدها بود. چند هزار سیستانی در جلگه های گلستان ساکن شدند. حاشیه های خراسان جنوبی، محلات گوشه و کنار شهر مشهد و بالاخره گروهی هم به پایتخت آمدند. اطراف جاده ساوه، شهریار و قلعه حسن خان، سالهاست بلوچها را در خود جای داده است." **بر اساس گزارشی** نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری (مرکز آمار ایران) سیستان و بلوچستان بعد از لرستان در رده دوم استانهای مهاجر فرست، به نسبت جمعیت آن استان است. پروسه مهاجرت از سیستان و بلوچستان در طی سالهای اخیر رشدی تصاعدی داشته است. کماینکه حدود ۱۵ ماه پیش به **گزارش ایسنا** اعلام شد "سیستان و بلوچستان بیشترین آمار مهاجرت فرستی را دارد". این در حالی است که بر **طبق گفته احمد علی کیخا**، نماینده مردم سیستان در مجلس شورای اسلامی، نیمی از جمعیت باقی مانده در شهرها تحت پوشش کمیته امداد و بهزیستی هستند. **گیسل دو و نیم میلیون نفر** از بقیه نقاط ایران به سواحل دریای عمان **بخش مهمی** از **طرح توسعه سواحل مکران** است. پرسش بدیهی این است: چگونه استانی که به دلایل فقر و خشکسالی و بی آبی و در بالاترین رده استانهای مهاجر فرست قرار دارد، می تواند ظرفیت "مهاجرپذیری" در این مقیاس وسیع را داشته باشد؟

## سیاست دوگانه راهبردی



سیاست دوگانه راهبردی استفاده از آب در کوچاندن مردمان یک سرزمین در تاریخ بشر شناخته شده و مکتوب است. صدام حسین نیز در دهه های ۸۰ و ۹۰ میلادی عامدانه و با هدف پاکسازی و **کوچ دادن صدها هزار عرب هور** که عمدتاً شیعه و مخالف او بودند سیاست احداث سد و بند سازی را جهت منحرف نمودن سیلاب های دجله و فرات در جنوب عراق با موفقیت اعمال نمود. اگرچه مقوله سدسازی بی رویه در کشور یک معضل ملی است و این زخم خودکرده ای است که همه از آن نالان هستند. اما در مورد سیستان و بلوچستان سیاست سدسازی بر روی رودخانه های فصلی و سیلابی نه تنها تأثیرات مخرب و جبران ناپذیری بر زیست بوم ها و طبیعت و اکوسیستم منطقه داشته بلکه به دلیل ابعاد غیر مشخص آن، ظاهراً هدف مشخصی

را در تسریع مهاجرت روستائیان دنبال می کند. رییس شورای شهرستان چابهار در گفتگو با [روزنامه سیستان و بلوچستان](#) نحوه مدیریت و سهمیه بندی آب چابهار را شرم آور می خواند و می گوید تا کنون تمامی آب بارانها پشت سدها ذخیره شده و اینکه مسئولان حاضرند این آب [تبخیر شود](#) و [هدر رود](#) اما در اختیار مردم قرار نگیرد. [یارمحمدی](#) نماینده زاهدان در مجلس می گوید: "حق مردم محروم سیستان و بلوچستان این نیست که از آب نیز [محروم](#) شوند. اگر از این آب هم محروم شوند واقعاً ظلم به آنها شده است. دولت باید به این موضوع توجه و مشکلات مردم را حل کند." وانگهی معضل احتمالی دیگری که می تواند در آینده ای نه چندان دور به مشکل جدی تبدیل شود، انتقال آب از منطقه زابل به زاهدان است که با [مخالفت](#) [جدی](#) مردم سیستان، و حتی با [مخالفت](#) [مدیرکل محیط زیست سیستان و بلوچستان](#) روبرو شده است.

## خودداری از صدور مجوز برای آب شیرین کن در استان

بر طبق گزارش [خبرگزاری مهر](#) اسماعیل نجار رئیس سازمان مدیریت بحران کشور در جمع مدیران شورای هماهنگی بحران سیستان و بلوچستان



تاکید کرده است که شیرین سازی آب دریا و استحصال آب از دریا به عنوان مطمئن ترین، بهترین و کم هزینه ترین راه برای رفع مشکلات بی آبی استان است. عبدالغفور ایران نژاد نماینده چابهار در مجلس در [مصاحبه با خبرگزاری مهر](#) می گوید: "بالغ بر ۱۰ شرکت و سرمایه گذار داخلی و خارجی تمایل خود را برای احداث آب شیرین کن اعلام کرده اند اما عده ای به دلایل نامشخص اجازه فعالیت و تأمین آب شهر و روستاهای چابهار و جنوب استان را نمی دهند. این [سیاست تعمدی](#) امتناع در تأمین آب برای تشنگان حتی داد [خبرگزاری تسنیم](#) وابسته به سپاه را هم درآورده است که می نویسد: "بحران آب و کارشکنی های گسترده در احداث

کارخانه های شیرین سازی آب در چابهار می خواهد به مرکز ترانزیت کشورهای آسیای میانه تبدیل شود، مردم را به ستوه آورده و وعده های متعدد مسئولان نیز تاکنون نتیجه بخش نبوده است." بر اساس گزارش [خبرگزاری تسنیم](#) یک سرمایه گذار بومی چابهار بارها به ادارات مراجعه کرده و خواهان سرمایه گذاری و احداث آب شیرین کن ۲۰ هزار مترمکعبی با اعتبار شخصی خود و در کمتر از ۶ ماه شده اما مسئولان جواب رد داده اند.



بر طبق گزارش [خبرگزاری تسنیم](#) "تنها منبع آب، کارخانه قدیمی و فرسوده آب شیرین کن کنارک با ظرفیت ۲۸ هزار مترمکعب است که تنها ۱۲ هزار و ۵۰۰ مترمکعب آب جیره بندی شده فقط در دو روز هفته به جمعیت ۱۲۰ هزار نفری چابهار اختصاص داده شده (یعنی یکدهم متر مکعب برای هر نفر). این در حالی است که ۳۰۰۰ متر مکعب آب بین جمعیت ۴۰۰۰ نفری منطقه آزاد چابهار که منطقه حفاظت شده ویلاها و خانه های مجلل مسئولین و غیر بومی ها است، اختصاص داده شده است که بر خلاف مردم عادی در هر هفت روز هفته به آب شیرین لوله کشی دسترسی دارند. یعنی بیش از هفت برابر مردم عادی به آب دسترسی دارند. [خبرگزاری تسنیم](#) می افزاید "یک سرمایه گذار

آب شیرین کن نیز که پیشتر برای آبرسانی به جمعیت ۹ هزار نفری روستاهای "پسابندر، گواتر و پشت" در شرق چابهار اعلام آمادگی کرده بود و حتی در مناقصه ای که مسئولان برگزار کرده بودند پیروز شد، اما در لحظه های آخر قرارداد او در کمال ناباوری لغو شد." حتی در رسانه های جمهوری اسلامی

**گزارش های متعددی در مورد "سردرگمی سرمایه گذاران برای احداث آب شیرین کن در سواحل مکران" و آنهم بظاهر در چنبره بروکراسی اداری" وجود دارد.**

## مقایسه سیاست "آبی" دولت در بلوچستان و بقیه استانهای ساحلی



**فعالیت ۱۸ سایت آب شیرین کن در هرمزگان/ آب شرب ۱۰۰ روستا با احداث ۹ آب شیرین کن تأمین می شود**

مدیر عامل شرکت آب و فاضلاب روستایی هرمزگان با بیان اینکه تعداد ۱۸ سایت آب شیرین کن ۱۴۹ روستا را تحت پوشش دارد، گفت: ۹ سایت آب شیرین کن با ظرفیت ۵ میلیون مترمکعب در سال جهت آب رسانی ۱۰۶ روستا در حال ساخت است.



به گزارش شبکه اطلاع رسانی هرمز، عبدالحمید حمزه پور، مدیر عامل شرکت آب و فاضلاب روستایی هرمزگان در گفتگو با خبرنگار فرهنگ کده با اشاره به تعداد سایت های آب شیرین کن های فعال در استان، اظهار کرد: در حال حاضر ۱۸ سایت آب شیرین کن در شهرستان های بندرلنگه، بندر خمیر، بندرعباس، قشم، بستک و جاسک فعال است و بدر سال پیش از ۱۱ میلیون مترمکعب آب شرب توسط آب شیرین کن ها وارد چرخه تولید و بهره برداری می شود.

اگر جنوب سیستان و بلوچستان را با جنوب استان همسایه یعنی هرمزگان مقایسه کنیم، به ژرفنای تفاوت فاحش پی می بریم. بر طبق **گزارش شبکه اطلاع رسانی هرمز** در حال حاضر ۱۸ سایت آب شیرین کن در شهرستان های بندرلنگه، بندر خمیر، بندرعباس، قشم، بستک و جاسک فعال هستند و قرار است ۹ دستگاه آب شیرین کن دیگر نیز به آنها اضافه شود. بر طبق **گزارش خبرگزاری تسنیم** در استان بوشهر نیز وزارت نیرو برای طرح های آب شیرین کن به ظرفیت ۹۰ هزار متر مکعب در شهرها و روستاهای نوار ساحلی استان بوشهر مجوز صادر کرده که دو پروژه کنگان و بوشهر وارد مدار تولید قرار گرفته است؛ و این ظرفیت به ۹۷ هزار و ۵۰۰ مترمکعب افزایش می یابد. این در شرایطی است که وضع آب در استان های هرمزگان و بوشهر بحرانی نیست. اما در سیستان و بلوچستان بشدت بحرانی است. اغلب ماحیتاج آب آشامیدنی استان بوشهر از استان های همجوار، یعنی استان فارس و کهگیلویه و بویراحمد تأمین می شود. استان حاصلخیز خوزستان نیز که از نعمت آب و رودخانه های نظیر کارون، کرخه، دز، جراحی، مارون و غیره برخوردار است، صاحب دستگاه های متعدد آب شیرین در شهرهای مختلف از جمله **خرمشهر، هندجان، ماه شهر، بندر امام، آبادان** می باشد. حتی **ستاد بازسازی عتبات عالیات استان خوزستان** با همکاری وزارت نیرو در راستای تأمین آب شرب زائرین اربعین حسینی در پایانه های چذابه و شلمچه دو دستگاه صنعتی آب شیرین کن می سازد. در نتیجه از میان چهار استانی جنوبی کشور در حاشیه خلیج فارس و دریای عمان نه تنها وضعیت آب استان **سیستان و بلوچستان** نسبت به بقیه **بحرانی تر** است، بلکه تنها استانی می باشد که **اجازه تاسیس** آب شیرین کن ندارد.

## آینده ترسناک



اخیرا شبکه اطلاع رسانی راه دانا در **گزارشی جامع** تحت عنوان "آینده ترسناک سیستان و بلوچستان در بحران کمبود آب، خشکسالی و دیگر هیج!" تصویری ترسناکی از آینده دهشتناک "خشکسالی و مهاجرت" در فقیرترین و کم بارش ترین استان کشور ترسیم کرده است. در طی چند سال اخیر گزارش های هشداردهنده در مورد اوضاع بحرانی آب در استان و نابودی کشاورزی و دامداری و مهاجرت روستائیان منتشر شده است، از جمله گزارش مستند روزنامه سیستان و بلوچستان تحت عنوان **"لب تشنه، لب دریا"** که از بی آبی و تشنگی ۴۶۸ روستا در

مجاورت اقیانوس هند خبر می دهد. بنا به **گزارش پایگاه خبری آفتاب** حتی روستاهایی که صد در صد به حسن روحانی رای دادند امروز از دولت گله مند هستند و می گویند "از زمانی که سدسازی روی رودخانه کاجو (سد زبردان) آغاز شد شرایط منطقه تغییر کرد، سدسازی و تغییرات اقلیمی دست به دست هم دادند تا دشت سرسبزی که در آن انواع حیوانات و پرندگان زندگی می کردند، به زمین های خشک و بایر تبدیل شود. اینجا آب پشت سدها بلاتکلیف مانده است،" در حال حاضر مردم **فقیر استان** که اکثر آنها یارانه دریافت می کنند ناچارند **بین ۸۰ هزار تا ۱۶۰ تومان** پول برای یک تانکر آب بدهند، و تأمین آب **بزرگترین درخواست** آنها از دولت روحانی می باشد. این وضع به احتمال بسیار زیاد بدتر خواهد شد. چون **شرکت آب و فاضلاب روستایی استان** تصمیم گرفته است آب رسانی سیار به روستاهای تنش آبی را در شهرستان های زاهدان، چابهار، کنارک، قصرقند، مهرستان، ایرانشهر و سراوان به بخش خصوصی واگذار کند.

علاوه بر بی آبی و خشکسالی که باعث **شیوع اپیدمی بیماری های عفونی** در ۳ هزار روستای "بی آب" استان شده است، فقدان زیرساخت های لازمه و سوءاستفاده از امکانات محدود و فرسوده نظیر جاده ها توسط کامیونهای سنگین افغانی که از چابهار تا افغانستان در تردد هستند باعث **مرگ ۷۶۳**

**نفر، و زخمی شدن ۷۲۷۰ نفر** در سال می شود. این آمار یکی از بیشترین آمار مرگ و میر نسبت به جمعیت استان، نه تنها در کشور بلکه در جهان است. این در شرایطی است که از یک سو تجار و بازرگانان افغانی از امتیازات ویژه و فراقانونی فراوانی در چابهار برخوردار هستند، و از سوی دیگر بر طبق گزارش **خبرگزاری تسنیم** افغانستان امسال حتی "یک قطره" آب از هیرمند رهاسازی نکرده است.

## آغاز نابودی صنعت شیلات و صیادی در جنوب بلوچستان

علیرغم **قلع و قمع آبریزان سواحل سیستان و بلوچستان توسط چینی‌ها** که با مجوزهای دولت ایران صورت می گیرد، اگر مقایسه ای کوتاه بین عملکرد مانع آفرین دولت که دخالت بی رویه و انحصار مطلق در همه صنایع در استان را دارد، با صنعت شیلات که بیش از ۹۹ درصد آن در اختیار بلوچها است



بعمل آوریم، به عمق تفاوت معنادار بین نقش منفی و بازدارنده دولت و نقش مثبت و فعال کارآفرینان بلوچ در بخش شیلات پی می بریم. بر طبق **گزارش ایسنا** سواحل بلوچستان با تامین بیش از ۶۰ درصد ماهیان صنعتی کشور و ۴۰ درصد از کل صید ایران، قطب صید و صیادی ایران است. فقط دو بندر چابهار و کنارک **بنا به آمار** کمیسیون تن ماهیان اقیانوس هند رتبه دوم صید در اقیانوس هند پس از کشور اندونزی (با ۲۶۱ میلیون جمعیت)



را دارند. هم چنین **این دو بندر** با بیش از ۹۰۰ فروند شناور صید فراساحل (از مجموعه ۲۳۳۰ قایق صیادی) رتبه دوم تعداد ناوگان صیادی اقیانوس هند پس از کشور سری لانکا را نیز از آن خود کرده اند. در نتیجه عملکرد و مداخله دولت در چرخه طبیعی اقتصاد بومی - محور استان بسیار ویرانگر و زیانبار بوده است. بنا به **گزارش ایلنا** دولت در بسیاری از جهات به جای اینکه گره گشا باشد، مزاحم تولیدکنندگان است. بر اساس گزارش **خبرگزاری مهر** مردم منطقه در استان و **هرمزگان** شدیداً نگران هستند که دولت با **صدور مجوزهای بی رویه به "ترال‌ها"** و کشتی های ماهیگیری چینی در سواحل استان سیستان و بلوچستان، درصدد **نابودی و غروب** تنها صنعت باقی مانده و موفق بومی استان می باشد که بیش از ۹۹ درصد آن در اختیار بلوچها است و **معیشت حدود ۳۰۰ هزار نفر** به آن ارتباط دارد. این در حالی است که بر اساس گزارش **خبرگزاری مهر** صیادان بومی حق صید از سواحل استان را ندارند؛ اما کشتی‌های چینی هیچ گونه محدودیتی در صید ندارند.

## نتیجه گیری



مردان سیستانی در سوگ هامون: آنجا که زمانی دریاچه بزرگ هامون بود. "چو این تبدیل‌ها آمد نه هامون ماند و نه دریا"

سوال اساسی اینجاست که چرا از **۱۵۰ دستگاه آب شیرین کن** در کشور، سهم استان سیستان و بلوچستان فقط یک دستگاه آب شیرین کن فرسوده و قدیمی می باشد و علیرغم اینکه قرار است تعداد آب شیرین کن های کشور در عرض ده سال آینده بیش از دو برابر شوند، و قرار است با **همکاری چین** **طرح** تولید آب از طریق آب شیرین کن و انتقال آن به ۱۶ استان غیر ساحلی اجرایی شود، اجازه تاسیس

آب شیرین کن در سواحل سیستان و بلوچستان صادر نمی شود؟ اما در استانهای دیگر تشویق می شود؟ علاوه بر امتناع از صدور مجوز آب شیرین کن، چرا **آب پشت سدها** که به سرعت در حال تبخیر است برای ادامه حیات صدها روستا رها نمی شود؟ چرا و چگونه استانی که علاوه بر **فقر** و

بیکاری گسترده، بدلیل خشکسالی و بی آبی مهاجر فرست شده است، آنگونه که در [طرح توسعه سواحل مکران](#) آمده است، می تواند در مقیاس گسترده ای مهاجر پذیر باشد؟ چرا در بحرانی ترین و فقیر ترین استان کشور، دولت اصرار به واگذاری خدمات تامین آب و شرب گرانبها و کمیاب از وزارت نیرو و شرکت آب و فاضلاب روستایی استان به بخش خصوصی سودجو و عمدتاً غیربومی دارد. چرا ماهیگیران سواحل مکران حق ماهیگیری در آبهای سواحل ایران را ندارند، اما کشتی های بزرگ چینی (ترال) این حق را دارند؟ و بسیاری از سوالات دیگر در مورد شیوه عملکرد دولت و پیامد و برآیند سیاست خسران آور آن در مدیریت آب که تا به امروز بی جواب مانده اند.

## پاورقی:

نگارنده، هفته پیش، این مطلب کاملاً مستند با قریب به صد مرجع و رفرنس به رسانه های داخلی کشور را برای بخش "ناظران می گویند" سایت بی بی سی فارسی فرستادم. یک هفته منتظر ماندم تا جوابی مبنی بر اینکه آیا امکان نشر آن است یا نه، دریافت کنم. امروز با کمال تعجب در سایت بی بی سی فارسی مشاهده کردم که بجای مطلب بلوچستان، مطلب مشابهی را در مورد [خراسان جنوبی](#) منتشر کرده اند؛ تا به مستمعین بی بی سی بگویند، این مشکل در همه جا است و مختص تبعیض در بلوچستان نیست. همانگونه که در مقاله با مستندات نشان داده شده، دولت در استانهای دیگر حداکثر تلاش ممکن را کرده تا به مردم آن استانها کمک کند. اما در مورد بلوچستان، سیاست دولت کاملاً برعکس است. اگر خراسان جنوبی دریا می داشت، حتماً به آن مجوز احداث آب شیرین کن می دادند. کما اینکه به همه استانهای ساحلی مجوزهای فراوان داده اند. در خراسان جنوبی و دیگر استانهای محروم، آب رسانی به بخش خصوصی واگذار نشده. در خراسان جنوبی و بقیه استانها، آب عامدانه پشت سد نگه داری نشده است تا تبخیر شود. خراسان جنوبی و بقیه استانهای ساحلی به دلیل اینکه عمدتاً فارس و شیعه هستند، از ظلم مضاعف، تحقیر و سرکوب و تبعیضات نهادینه شده و بیشرمانه رنج نمی برند. خراسان جنوبی و بقیه استانهای فارس و یا شیعه سواحل ایران قربانی ناروا گزینی خودخواهانه و سلیقه های خودپسندانه و تبعیض آمیز اکثر اصحاب رسانه داخلی و خارجی نیستند.

دکتر عبدالستار دوشوکی

مرکز مطالعات بلوچستان - لندن

چهارشنبه ۴ خرداد اردیبهشت ۱۳۹۷